

## بازنمایی معنایی ماهیت زندگی زناشویی در ازدواجها ناموفق

### (رویکرد برساختگرایانه)<sup>۱</sup>

عالیه شکر بیگی<sup>۲</sup>، امیدعلی احمدی<sup>۳</sup> و مریم ابراهیمینش<sup>۴\*</sup>

#### چکیده

این پژوهش با هدف استخراج باورهای زنان مطلقه یا متقاضی طلاق در خصوص زندگی زناشویی و پندار آنان از همسر آینده در پیش از ازدواج انجام گرفته است. بر این اساس، تلاش شده است دیدگاه زنان با رویکردی برساختگرایانه و با استفاده از روششناسی کیفی و اسلوب نظریه زمینه‌ای<sup>۵</sup> مورد کنکاش قرار گیرد. نمونهها بر اساس روش نمونهگیری هدفمند، از بین 40 زن متقاضی طلاق یا مطلقه، مراجعه کننده به مراکز مشاوره خانواده در سطح شهر شیراز انتخاب و دادهها با استفاده از روش مصاحبه ژرف گردآوری شده‌اند. از راه سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، 5 مقوله اصلی «توهم همسر آرمانی»، «زندگی زناشویی رویایی»، «آماده نبودن "خود" جهت ورود به زندگی زناشویی»، «ازدواج زود هنگام و بی تدبیری در امور زندگی» و «نداشتن فهم کافی از دنیای مردانه» و یک مقوله هسته با عنوان «ناشناخته بودن ماهیت زندگی زناشویی» پدیدار شد. تحلیل یافتهها مشخص کرد که زنان مصاحبه شونده نسبت به فضای زندگی زناشویی و مراداتی که در آینده بایستی برقرار کنند از باورها و پندارهای واقع بینانهایی برخوردار نبودند، هم چنین، پندار پیشین آنان از شوهر آینده نیز بسیار آرمانگرایانه و به دور از واقعیت بوده است.

**واژه ها کلید :** نگرش به طلاق، باورهای غیرمنطقی، سازگاری زناشویی، انتظارهای زناشویی، نظریه زمینه‌ای.

۱- این مقاله مستخرج از پایاننامه دکترا در رشته جامعهشناسی گرایش

مسائل اجتماعی ایران میباشد.

۲- استادیار گروه جامعه شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران.

۳ -استادیار گروه جامعه شناسی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی،

آشتیان، ایران.

۴ - دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران، کارشناس پژوهش و آینده‌نگری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

فارس.

۵

\*- نویسنده مسئول مقاله: Ebrahimimaryam91@gmail.com

- Grounded Theory

### پیشگفتار

تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالشها، مسایل و نیازهای جدید و متنوعی روبه رو کرده است به‌گونه‌ای که در طی همین مدت نظام خانواده به شکلی فزاینده به علل و عوامل متعدد و پیچیده‌ای در معرض تهدید قرار گرفته است.

هنگامی که کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بینند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می‌دهند. این روند در ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت، واقعه حقوقی طلاق می‌شود (Abedi, Bolhari & Naghizadeh, ۲۰۱۰). ایران نیز همراه با این سیر جهانی روندی پرشتاب به سوی طلاق بویژه در سالهای اخیر طی کرده است. به‌گونه‌ای که به استناد آمارهای سازمان ثبت احوال کشور، از سال ۱۳۸۰ تاکنون شاهد سیر صعودی و چشمگیر طلاق بودهایم. با اتکا به آمارهای مرکز ثبت احوال کشور در سال ۱۳۸۵ در استان فارس ۵۰۴۵۳ فقره ازدواج در مقابل ۵۷۰۱ طلاق ثبت شده است که نسبت ازدواج به طلاق حدود ۹ بوده است، یعنی در مقابل هر ۹ ازدواج، یک مورد طلاق ثبت شده است. در سال ۱۳۹۰ این نسبت به ۷/۶ رسیده است، به این معنی که در مقابل تقریباً هر ۷ ازدواج، یک طلاق ثبت شده است. این روند طی سالهای اخیر همچنان رشد یافته است، به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۳، نسبت ازدواج به طلاق در استان به ۳/۵ و در شهر شیراز به ۲/۴ رسیده است (NOCR, ۲۰۱۰).

در خصوص علل و عوامل وقوع طلاق بایستی خاطر نشان کرد که این پدیده نیز مانند سایر پدیده‌های اجتماعی، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل در سطح خرد هم چون مشکلات شخصیتی- اخلاقی- رفتاری و ...، هم چنین مسایل سطح کلان مشتمل بر تحولات اقتصادی، تغییرات سریع در ارزشها و هنجارهای اجتماعی، ساختار فرهنگی انعطاف‌پذیر و ... شکل می‌گیرد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد بستر، زمینه و عوامل موثر بر وقوع طلاق بسیار متنوع می‌باشند. یکی از مراحل بسیار تأثیرگذار در بنا کردن پایه‌های زندگی زناشویی، رسیدن به سطح مناسبی از شناخت نسبت به ازدواج و ماهیت زندگی زناشویی می‌باشد. شناخت نسبت به ماهیت یک پدیده، انسان را یاری می‌کند تا دیدی واقع‌بینانه و انتظارهای منطقی‌تری را در ذهن بپروراند. چرا که در تمام

روابط بین فردی، چه روابط اجتماعی و چه رابطه بین دو نفر بمنظور ازدواج، افراد با انتظارات معینی وارد رابطه میشوند. افراد انتظارهایی شان را از آنچه که میبینند، میشوند و در طول زمان تجربه می کنند، رشد میدهند. امروزه با تغییر جهت از تأکید بر ازدواج به عنوان سنت، به ازدواج به عنوان یک رابطه، انتظارهای زناشویی مورد تجدیدنظر قرار گرفته است ( Omidvar, & Ahmadi, Fatehizadeh ۲۰۰۹). الیس<sup>۱</sup> (1975, 1978)، نظریه پرداز عقلانی، عاطفی و رفتاری بیماریها و اختلالهای روانی را ناشی از شناختهای اشتباه، باورها و نگرشهای نادرست میدانند. وی تأکید میکند که تفکرات غیرمنطقی و انعطافناپذیری تفکر، علت اصلی اختلافها در روابط اجتماعی و بویژه روابط زوجهاست (Momenzadeh, Mazaheri & Heydari, ۲۰۰۵). بر اساس پژوهشهای انجام گرفته باورهای غیرمنطقی و انتظارات بر ابعاد گوناگون زندگی از جمله سلامت روانی، عملکرد اجتماعی و سلامت عمومی ( Bakhshoodeh & Ehsan, Bahrami ۲۰۱۲)؛ رضایتمندی زناشویی (Shayesteh, Sahebi & Pourahmad, ۲۰۰۶)؛ الگوهای

دلبستگی و سازگاری زناشویی ( Pourmohamadrezatajirishi, PahlawanNeshan & Najafi )؛ ارتباط سازنده متقابل (۲۰۰۵, Fard, ۲۰۱۴, Momenzadeh, Mazaheri & Heydari)؛ باورهای ارتباطی و الگوی ارتباط سازنده متقابل (۲۰۰۵, Siavoushi & Nvabinejad) تأثیرگذار میباشند. از سوی دیگر، یافتهها نشان داده است که تغییر دادن ادراکهای مهم فرد در مورد مسایل زندگی در ارزیابی رضایت و کیفیت زندگی تأثیرگذار بوده است. در همین راستا پژوهشهایی انجام گرفته و نتایج نشان دهنده این است که آموزش نظامدار در خصوص باورها میتواند منجر به تعدیل انتظارات زناشویی غیرواقعبینانه و آرمانگراییانه شود ( Rafeie, Etemadi & Bahrami, ۲۰۱۵; Hoveily Pour, Shafiabadi, )؛ Carroll, ۲۰۰۲; Sharp & Ganeng, ۲۰۰۹; Omidvar, Fatehizadeh & Ahmadi, ۲۰۰۹; Sudani, ۲۰۱۲; &

(Doherty, ۲۰۰۳; Olson & Gravatt, ۱۹۶۸).

پژوهش های بسیار اندکی بویژه در داخل کشور در خصوص نقش باورها و پندارها از ازدواج بر کیفیت زندگی زناشویی یا فروپاشی ازدواج صورت گرفته است. به همین منظور این پژوهش بر آن است که پندارها، باورها و انتظارات در خصوص ماهیت زندگی زناشویی را از دید زنان مطلقه و متقاضی طلاق شهر شیراز با رویکردی بر ساختگراییانه و بر اساس تجربیات زندگی آنها مورد بررسی قرار دهد. به بیان دیگر، این پژوهش در پی دستیابی به پاسخ پرسش های زیر می باشد:

<sup>۱</sup> -Ellis, A

- 1- دیدگاه زنان مطلقه یا در شرف طلاق نسبت به زندگی زناشویی، در پیش از ازدواج چه بوده است؟
- 2- دیدگاه زنان مطلقه یا در شرف طلاق نسبت به همسر آینده، در پیش از ازدواج چه بوده است؟
- 3- دیدگاه زنان مطلقه یا در شرف طلاق نسبت به آمادگی "خود" جهت ورود به زندگی زناشویی در پیش از ازدواج چه بوده است؟

### روش پژوهش

روش پژوهش از نوع کیفی استقرایی میباشد. روشهای کیفی با مطالعات در زمینههای اجتماعی - فرهنگی سنخیت بیش تری دارد زیرا با نظام ارزشی، ساختار ذهنیت و باورها سرو کار دارند. یکی از استراتژی های مشهور در این روش، نظریه زمینه ای است که برای اولین بار، گلیزر و استراوس<sup>23</sup> در سال 1976 در کتاب کشف نظریه زمینه ای، آن را مطرح کردند (

Glaser &

(Strauss, ۱۹۶۹).

در این مطالعه با استفاده از استراتژی نمونهگیری هدفمند<sup>۲</sup>، افراد و مکانی برای مطالعه انتخاب شد که بتواند آگاهی هدفمندی در زمینه درک مسئله پژوهش و پدیده مورد مطالعه در اختیار ما بگذارد. به همین منظور، مراکز مشاوره خصوصی و دولتی در سطح شهر شیراز به عنوان مکانی مناسب در نظر گرفته شد که زنان طلاق گرفته و متقاضی طلاق به این مراکز مراجعه میکردند.

پژوهشگران پس از کسب مجوز برای ورود به مراکز مشاوره مربوطه، به دنبال افرادی بودند که بتواند تجربه های خود را در موضوع پژوهش به خوبی انتقال دهند. پس از اعلام موافقت یا مخالفت نمونهها، پژوهشگر صرفاً با مشارکت کنندگانی مصاحبه انجام داد که موافقت کتبی خود را برای مشارکت در پژوهش اعلام کردند. هم چنین، برای انتخاب نمونه مورد نظر در طول پژوهش از شیوه نمونهگیری نظری نیز استفاده شد. محقق در این پژوهش اقدام به گزینش نمونه ای از افراد کرد که بتوانند در توسعه نظریه مشارکت کنند. نمونه گیری نظری تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری بدست آمد. با توجه به هدف پژوهش، دادههای این پژوهش، از راه مصاحبه با

<sup>۲</sup> - Purposive Sampling

<sup>۳</sup> - Glaser and Strauss

40 نفر از زنان طلاق گرفته یا در معرض طلاق به اشباع نظری رسید. روش عمده بکار رفته در گردآوری دادهها، مصاحبه عمیق بوده است. طول زمان مصاحبه ها با توجه به میزان داده هایی مناسب که مصاحبه شوندگان در اختیار قرار میدادند، بین 45 تا 120 دقیقه متغیر بوده است. در روش نظریه زمینهای، نمونهگیری و تجزیه و تحلیل باید پشت سر هم انجام گیرد و تجزیه و تحلیل، راهنمای گردآوری داده ها باشد (Strauss & Corbin, ۲۰۱۱). نخستین مرحله کدگذاری باز<sup>۴</sup> است، که عبارت است از روند خردکردن، مقایسه کردن، مفهومپردازی کردن و مقولهبندي کردن دادهها (Ibid, p. ۶۱). مرحله بعد، کدگذاری محوري<sup>۵</sup> است که عبارت است از سلسله رویههایی که با آنها پس از کدگذاری باز با برقراری پیوند بین مقوله ها، به شیوههای نوینی دادهها با یکدیگر ربط مییابند (p. ۹۷). آخرین مرحله کدگذاری، کدگذاری گزینشی<sup>۶</sup> است. کدگذاری گزینشی فرایندی است که در بیان دستهبندیهای گوناگون، یک دسته به عنوان هسته و مرکز برگزیده می شود و دسته های دیگر با دسته دیگر مرکزی ارتباط داده می شود. ایده اصلی، ایجاد یک هسته اصلی برای ارتباط دیگر دادهها به این هسته میباشد (Ali Ahmadi & Nahaie, ۲۰۰۸). بر اساس داده های استخراج شده از مصاحبه شوندگان، مدت زندگی مشترک زنان مورد مطالعه، بین 1 تا 32 سال و میانگین مدت زندگی مشترک شان 9/1 سال بوده است. میانگین سن زنان در هنگام ازدواج 20 سال و در هنگام طلاق حدود 28 سال بوده است. طلاق حدود 12 درصد از زنان در دوران عقد و 88 درصد در دوران ازدواج و زندگی مشترک رخ داده است. میانگین مدت آشنایی زنان با همسر آینده پیش از عقد 0/9 سال بوده است. از نظر سطح تحصیلات، 10 درصد زنان دارای تحصیلات زیردیپلم، 37 درصد دیپلم و 53 درصد فوق دیپلم، و بالاتر بودهاند. از نظر وضعیت شغلی، 55 درصد زنان شاغل و 45 درصد خانهدار بودهاند. برخی از داده ها به شرح جدول 1 می باشد:

جدول ۱ - مشخصات مشارکت کنندگان پژوهش.

نام	سن در هنگام (سال)		طول مدت (سال)		وضعیت اشتغال		تحصیلات	
	ازدواج	طلاق	آشنایی	زندگی مشترک	مرد	زن	مرد	زن
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن

<sup>۴</sup> - Open Coding

<sup>۵</sup> - Selective Coding

<sup>۶</sup> - Axial Coding

۵	بهاره	۱۹	۱۸	۳۱	۳۰	۴	۱۲	مهندس	بخش خصوصی	لیسانس	لیسانس
۵	فریبا	۲۴	۲۹	۳۶	۴۱	۵	۱۱	آزاد	کارمند	دیپلم	لیسانس
۵	نگار	۲۴	۲۲	۲۹	۲۷	۲	۵	بی ثبات	پرستار	فوق دیپلم	لیسانس
۵	ستاره	۵	۵	۵	۵	۵	۵	آزاد	کارمند	دیپلم	لیسانس
۵	نرجس	۱۹	۲۲	۲۵	۲۸	۱ماه	۶	نظامی	دانشجو	دیپلم	لیسانس
۵	لیلا	۵	۵	۵	۵	۵	۵	آزاد	بخش خصوصی	دیپلم	دیپلم
۵	راضیه	۲۲	۲۵	۲۵	۲۸	۱ماه	۳	بی ثبات	دانشجو	لیسانس	لیسانس
۵	رضوان	۱۹	۲۴	۲۰	۲۵	۲ماه	۱	آزاد	دانشجو	لیسانس	لیسانس
۵	شهرزاد	۵	۵	۵	۵	۵	۵	مهندس	کارمند	دیپلم	لیسانس
۵	سارا	۲۰	۳۱	۲۵	۳۶	۱ماه	۵	راننده	خانه دار	دیپلم	دیپلم
۵	مهرنوش	۱۸	۲۰	۳۴	۳۶	۶ماه	۱۶	نظامی	کارمند	لیسانس	لیسانس
۵	سمانه	۱۹	۲۱	۲۱	۲۳	۳ماه	۲	آزاد	خانه دار	دیپلم	دیپلم
۵	رها	۲۲	۲۷	۲۸	۳۳	۱ماه	۶	کارمند	خانه دار	دیپلم	دیپلم
۵	ماهرخ	۵	۵	۵	۵	۵	۵	مهندس	بخش خصوصی	لیسانس	فوق لیسانس
۵	شهبلا	۱۸	۲۰	۳۹	۴۱	۵	۲۱	آزاد	خانه دار	راهنمایی	دیپلم
۱۶	سیما	۱۶	۲۱	۲۳	۲۸	۶ماه	۷	بی ثبات	خانه دار	دیپلم	دیپلم

ادامه جدول ۱

ردیف	نام	سن در هنگام (سال)		طول مدت (سال)		وضعیت اشتغال		تحصیلات	
		زن	مرد	مشترک	آشنایی	مرد	زن	مرد	زن
۱۷	شهره	۵	۵	۵	۵	۵ماه	۵	نظامی	بخش لیسانس
۵	طاهره	۲۱	۲۹	۳۳	۵	۴	۴	مغازه	فوق دیپلم
۵	فانزه	۵	۵	۵	۵	۵	۵	بخش خصوصی	فوق لیسانس
۵	زهرا	۲۸	۲۶	۳۰	۳۲	۶ماه	۵	کارمند	لیسانس

زهره	۱۵	۲۰	۲۴	۲۹	۳ ماه	۹	بی ثبات	خانه دار	ابتدایی	راهنمایی
آذر	۱۷	۱۸	۳۷	۳۸	۲	۲۰	کارمند	خیاط	دیپلم	دیپلم
ندا	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲	۲	مهندس	بخش خصوصی	فوق دیپلم	لیسانس
فاطمه	۱۴	۲۳	۱۵	۲۴	۳ ماه	۳	بی ثبات	خانه دار	دبیرستان	دیپلم
مهین	۱۷	۲۰	۵۰	۵۳	۲	۳۳	بی ثبات	خانه دار	راهنمایی	راهنمایی
منیره	۱۴	۱۷	۲۹	۳۲	۱ ماه	۱۵	بی ثبات	خانه دار	دیپلم	دیپلم
محبوبه	۲۰	۱۸	۵۲	۵۰	۱	۳۲	کارمند	بهبار	دیپلم	دیپلم
الهام	۲۲	۲۵	۲۲	۲۲	۲	۲	کارمند	کارمند	لیسانس	فوق لیسانس
فرشته	۱۶	۲۱	۲۴	۲۹	۲	۸	راننده	خانه دار	دیپلم	دیپلم
مهرانگیز	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲	۲	۲	کارمند	کارمند	لیسانس	لیسانس
فرزانه	۱۸	۱۸	۳۴	۴۳	۱	۱۶	کارمند	کارمند	دیپلم	لیسانس
کبر	۱۸	۲۲	۳۵	۳۹	۲	۱۷	کارگر	خانه دار	دبیرستان	دیپلم
ساناز	۲۲	۲۶	۲۲	۲۲	۲	۲	مهندس	بخش خصوصی	لیسانس	لیسانس
مریم	۱۹	۱۹	۱۹	۲	۲	۱۴	راننده	آرایشگر	دیپلم	دیپلم
مهر	۱۴	۱۸	۳۰	۳۴	۱ ماه	۱۶	بی ثبات	خانه دار	ابتدایی	راهنمایی
زرین	۱۸	۲۲	۲۶	۳۰	۲ ماه	۸	آزاد	خانه دار	راهنمایی	دیپلم
سکینه	۲۲	۲۷	۲۲	۲۲	۲	۲	نظامی	کارمند	لیسانس	لیسانس
زینب	۱۶	۲۱	۴۱	۴۶	۱ ماه	۲۵	آزاد	خانه دار	ابتدایی	راهنمایی
بهجت	۱۹	۲۸	۴۹	۵۸	۳ ماه	۳۰	راننده	خانه دار	دیپلم	دیپلم
نرگس	۲۲	۲۴	۲۲	۲۲	۲	۲	آزاد	بخش خصوصی	دیپلم	لیسانس

### یافته ها پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، استخراج باورهای زنان مطلقه یا متقاضی طلاق در خصوص زندگی زناشویی و پندار آنان از همسر آینده در پیش از ازدواج می باشد. بنابراین، در این بخش نتایج تحلیل سه گانه کدگذاری داده ها بر اساس تحلیل مصاحبه با 40 مشارکت کننده ارائه میشود. برای تهیه نام مقوله ها می توان از آثار و ادبیات علوم اجتماعی (کدهای برساخته) یا از اصطلاحات مصاحبه شوندگان (کدهای جنینی<sup>7</sup> یا درونی) استفاده کرد (Flick, 2008). کدهای برساخته مفاهیم قوی با معانی تحلیلی جا افتاده برای رشته یا حرفه جامعهشناسی هستند، اما کدهای جنینی، واژه های گیرایی در سخن مصاحبه شوندگان هستند که بلافاصله نظر تحلیل گر را به خود جلب می

<sup>۷</sup> - In Vivo

کنند (Strauss & Corbin, ۲۰۱۱). در این پژوهش برای نام گذاری مفاهیم و مقوله‌ها، محقق بیش تر از کدهای برآمده از داده‌ها و کدهای جنینی استفاده کرده است. در مرحله کدگذاری باز، 21 مفهوم و پس از ربط مفاهیم به یکدیگر در مرحله کدگذاری محوری، 5 مقوله فرعی «توهم همسر آرمانی»، «زندگی زناشویی رویایی»، «آماده نبودن "خود" جهت ورود به زندگی زناشویی»، «ازدواج زود هنگام و بی تدبیری در امور زندگی» و «نبود فهم کافی از دنیای مردانه» پدیدار شد. در مراحل بعد، پس از ترکیب مقوله‌ها، دو مقوله اصلی «باورها و پندارهای غیرواقعی از زندگی زناشویی» و «آماده نبودن "خود" جهت ورود به زندگی زناشویی» به عنوان شرایط علّی، «نداشتن فهم کافی از دنیای مردانه» به عنوان شرایط مداخلگر و «ازدواج زود هنگام و بی تدبیری در امور زندگی» به عنوان بستر و زمینه استخراج شد. در مرحله کدگذاری گزینشی پس از بررسی دقیق تر و پیوند بین مفاهیم، مقوله هسته و اصلی با عنوان «ناشناخته بودن ماهیت زندگی زناشویی» پدیدار شد.

### الف - باورها و پندارها غیرواقعی از زندگی زناشویی

این مقوله به این معنی است که مشارکت کنندگان دیدگاه غیرواقعگرایانه نسبت به زندگی زناشویی و شوهر آینده پیش از ازدواج داشته‌اند. در واقع، ممکن است که آن‌ها تمایز بین فرهنگ آرمانی و فرهنگ موجود در زندگی زناشویی را به خوبی درک نکرده و بایک تصور آرمانگرایانه وارد این زندگی زناشویی شده باشند. مقوله‌های فرعی «توهم همسر آرمانی» و «زندگی زناشویی رویایی» با 8 مفهوم تشکیل دهنده این مقوله میباشند.

#### ۱. توهم همسر آرمانی

طرحوارها چهارچوبهایی شناختی برای سازماندهی، تعبیر و تفسیر و یاد آوری داده‌ها هستند. این مقوله به تسلط پیشداوری و طرحوارهای ذهنی، بر نگاه واقعبینانه به افراد و شرایط محیط پیرامون و برداشت تحریف شده از واقعیت دلالت دارد. مفاهیم شوهر منبع محبت، شوهر وارسته، کم سن و سالی و احساساتی بودن و مرد رویایی تشکیل دهنده این مقوله میباشند. در مصاحبه‌های انجام گرفته بیش تر زنان مطلقه، از پندارهای غیرواقعی خود درباره زندگی زناشویی و هم چنین، ویژگی‌های رویایی شوهر آینده پرده برداشت‌اند. بسیاری از زنان مصاحبه شونده بیان کرده‌اند، دیدگاهی بسیار آرمانگرایانه و خوشبینانه نسبت به همسر آینده خود داشته‌اند:

"پیش از ازدواج، من همیشه میگفتم زن و مرد چه جور می‌باشند  
میشه. آگه زن چیز بیگه، شوهرش دوشش داره میگه باشه، اگر مرده  
چیزی بیگه هم زنش دوشش داره، میگه باشه. پس چرا با هم قهر میکنن."



بعد که رفتم تو زندگی دیدم نه مردها حاضر نیستن بگن  
باشه!"

پندار مصاحبه‌شوندگان روی هم رفته- صرف نظر از نوع پردازش فردی- بر ایده‌آلهایی استوار بوده است که در عالم واقع کم‌تر مصداقی میتوان برای آن یافت. مصاحبه‌شونده‌های بیان کرده است که پندارش از شوهر «گنج محبت» بوده است. منبعی که میتوانسته، تمام کمبودهای زندگی گذشته‌ی وی را جبران نماید:

"پندارم کلا از شوهر و زندگی مشترک این بودش که منبع محبت، که  
کاملاً تو رو از لحاظ محبت ساپورت می‌کنه، هر چی که اون جا نبوده/  
در زندگی گذشته، این جا کاملاً هست، ولی خب اینجوری نبود."

شوهر گنجینه‌های تصور شده است که تمام کمبودهای گذشته، نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای حال و آینده در وجودش به ودیعه نهاده شده است. موجودی فرابشری که در بردارنده هر آن چیزی است که یک زن آرزوی داشتن آن را در زندگی زناشویی دارد. مصاحبه‌شونده دیگری تصورش از شوهر آینده را چنین توصیف کرده است:

"فکر می‌کردم اگر با طرف مقابل صحبت میکنم، طرف مقابل واقعیت را  
به من می‌گوید، خیلی عجله‌های شد."

نوعی پیشداوری و تصویر ذهنی آرمانی و ایده‌آل از «شخص شوهر»، «وجه مشترک» بیش‌تر زنان مصاحبه‌شونده است. ذهنیت و پیشداوری‌های بدون این که تلاشی در جهت اثبات یا ابطال آن انجام گیرد، بدون تلاش فکری و ذهنی در جهت شناخت آن و تطبیق با واقعیت موجود، یک زندگی پرتلاطم را برای زنان به ارمغان آورده است.

## ۲. زندگی زناشویی رویایی

این مقوله به معنای نداشتن پندار و اقعگرایانه از ازدواج و ماهیت زندگی زناشویی میباشد. مفاهیم باورهای غیرواقعی از ازدواج، پندارهای نادرست از شوهر آینده و ابهام در هدف از ازدواج تشکیل دهنده این مقوله است.

نکته بسیار مشهود و مشترک در بین زنان مصاحبه‌شونده، پندارهای غیرواقعی یا اصولاً خلاء فکری منسجم در خصوص زندگی زناشویی، مسئولیتها و فراز و فرودهای آن است. رویا مصاحبه‌شونده‌های است که به ناشناخته بودن دنیای ازدواج صریحاً اعتراف کرده است:

"زمانی که از دواج کردم، هیچ شناختی از ازدواج نداشتم و خیلی  
ناخواسته پیش اومدم، هیچ هدف خاصی توی زندگی نبود."

البته، نداشتن شناخت از زندگی زناشویی به زنان مصاحبه‌کننده منتهی نشده بلکه برخی از شوهران نیز از اهداف ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی هدف مشخصی را دنبال نمی‌کرده‌اند:

"او ایلش نمیدونستم اعتیاد داره، بهش میگفتم، تو چرا با من ازدواج کردی، میگفت بخاطر این که تنها بودم، خیلی تنها بودم، دوس داشتم با یکی ازدواج کنم!"

جمعبندی کلی مصاحبهها نشان میدهد که تقریباً همگی مصاحبه شوندهگان به اشکال گوناگون و با ضعف و شدت، پندارهای غیر واقعی نسبت به زندگی زناشویی در ذهن ساخته و پرداخته کرده بودند. تصویری که پس از ورود به زندگی زناشویی و قرار گرفتن در تعامل متقابل با شوهر، به سرعت شکنندگی آن آشکار شده است.

### ب - آماده نبودن «خود» جهت ورود به زندگی زناشویی

این مقوله به معنای آماده نبودن روانی-عاطفی - جسمانی جهت برقراری پیوند زناشویی میباشد.

در مجموع، پنج مفهوم فکر نکردن به ازدواج، خلاء پیشینه ذهنی از ازدواج، نداشتن آمادگی ازدواج، ازدواج ناخواسته و نداشتن آمادگی برقراری رابطه جنسی، مفاهیم تشکیل دهنده این مقوله می باشد. مصاحبه شوندههای خلاء شناخت خود نسبت به ازدواج را اینگونه شرح میدهد:

"اصلاً من تو خط ازدواج نبودم. من فقط مدرسه و خونه بودم. جای دیگه نمیرفتم. همه دخترا اون موقع همین جور بودن ... جای دیگه نداشتم."

معاشرت با کس دیگه نداشتم. چند تا دوست بودیم، از اول راهنمایی با هم بودیم. چهار پنج تا دوست با هم رفت و آمد خانوادگی هم داشتیم. فقط همین. تو خط مرد و پسر اصلاً نبودیم."

دنیای زناشویی برای برخی از مصاحبه شوندهگان تا آن جا غریب و ناشناخته بوده است که اصولاً آن ها تا شب ازدواج از مسایل جنسی و رابطه جنسی اطلاع چندانی نداشتهاند:

"من اصلاً تو خط رابطه جنسی نبودم، مثلاً تو دوره عقد مث الان نبود که ادما با هم، یعنی من شب عروسی نمیفهمیدم این جریان چیه! مثلاً من الان برا دختر خواهرم اینا که 20 سالشونه تعریف می کنم، می گم من نمیفهمیدم حله چیه، فکر می کردم عروسی به همین لباس عروس پوشیدن و ایناس، خب اون موقع دخترا خیلی ساده تر بودن نه مث الان."

مصاحبه شونده دیگر بیان می کند که شوهرش مسایل جنسی را پس از ازدواج به او آموزش داده است: "من حتی از نظر جنسی هم اطلاعی نداشتم، همه چیز را اون به من یاد داد."

جمعبندی کلی مصاحبهها نشان می دهد، تقریباً بیش تر مصاحبه شوندهگان از سطحی مناسب از آگاهی و دانش عملی مورد نیاز، در هنگام ورود به زندگی زناشویی برخوردار نبودند.

### ج - ازدواج زود هنگام و بیتدبیر در امور زندگی

این مقوله به ازدواج زودرس و پیامدهایی که مصاحبه شوندگان آن را ناشی از ازدواج در سن پایین میدانند، میبردازد و روی هم رفته، به معنای تشخیص نامطلوب موقعیت مشکل آفرین و برخورد نامناسب با مسایل زندگی زناشویی به دلیل کم سن و سالی میباشد. مفاهیم ازدواج زودرس و نداشتن تصور واقعبینانه از ازدواج، عاشق شدن و توجیه موقعیت، ناآشنایی با مسئولیتهای زندگی زناشویی، بچه بودن و لج و لجاجتی تشکیل دهنده این مقوله است. یکی از عامل هایی که مصاحبه شوندگان باور دارند در ترسیم چهره آرمانی از زندگی زناشویی رویایی دخیل بوده، سن پایین در هنگام ازدواج بوده است:

"ازدواج اجباری نبود، ولی خب آدم تو اون سن عشق و دوست داشتن و این چیزا رو نمیدونه؛ دیگه برام پیش اومد."

مصاحبه شونده دیگری نیز بیان کرده است: "با علاقه ازدواج کردم. بازم عقلم نمیرسید. آگه الان بود..."

از نظر مصاحبه شوندگان نداشتن پختگی و تجربه زندگی، منجر به پردازش تصوری عاشقانه از زندگی زناشویی آینده شده است. بسیاری از مصاحبه شوندگان ناتوانی در درک ماهیت زندگی زناشویی و برداشت صحیح و تحلیل موقعیت را ناشی از ازدواج در سن پایین میدانند:

"آگه عقل الان رو اون موقع داشتم، هیچ وقت راضی به این ازدواج نمیشدم. نمیداشتم بچه دار شم."

این مصاحبه شونده نه تنها اشتباه در انتخاب همسر آینده را به سن پایین نسبت می دهد بلکه اشتباه بزرگتر خود را بجهدار شدن میدانند. مصاحبه شونده دیگری بیان میکند که حتی از مراسم رسمی ازدواج نیز اطلاع چندانی نداشته است:

"هر چی فکر میکنم میبینم مادرم مقصره. بهش میگم تو کردی. دیگه نشستم سر سفره عقد، زن عموم و خالم میگفتن وقتی سه بار گفت، بگو بله. خودم نمیدونستم."

ناآشنایی با مسئولیتهای زندگی، نیز مسئله مهم دیگری است که برخی از مصاحبه شوندگان علت آن را ازدواج در سن پایین میدانند:

"چون توی سن کم ازدواج کردیم، هیچ کدوم از جوانیمون لنتی نبردییم و توی اوج جوانی، خودمون انداختیم زیر بار مسئولیت و خیلی گرفتار زندگی شدیم و خیلی خسته شدیم، گرفتاری ها خستمون کرده بود."

مصاحبه شونده دیگر تجربه های خود را از ناشناخته بودن زندگی زناشویی این گونه بیان می کند:

"ما توی یک سنی ازدواج کردیم که زندگی را جدی نگرفتیم، همش بچگی و شیطننت، هیچ وقت فکر نمی کردیم که زندگی سخت باشه، چون همدیگر و دوست داشتیم، دوست داشتیم با هم زندگی کنیم، هیچ وقت فکر نمی کردیم که زندگی چقدر سخته!"

پایین بودن سن در هنگام ازدواج و ناشناخته بودن دنیای زندگی زناشویی، زنان را در پیشبینی توان و آمادگی «خود» جهت ورود به زندگی زناشویی با مشکل روبه رو کرده بود. به گونه ای که با قرار گرفتن در موقعیت، به عمق مسئولیت زندگی زناشویی و ناتوانی و ضعف «خود» در فقدان مهارت های شخصی ضروری جهت پاسخگویی مطلوب به شرایط ناآرام و بحرانی زندگی زناشویی پی برده اند:

"در صورت برگشت به اول زندگی بله خیلی چیزها هست که اشتباه کردم، چون ما اون موقع بچه بودیم و خیلی چیزها را نمی فهمیدیم و فقط لج و لجبازی بود و هیچوقت منطقی فکر نمی کردیم..."

مصاحبه شوندگان مختلف، پیامدهای گوناگونی را به ازدواج در سن پایین نسبت داده اند، از جمله نداشتن دید منطقی نسبت به زندگی زناشویی و در نتیجه، تصمیم گیری نادرست در خصوص ازدواج با خواستگار نامناسب، ناتوانی در فکر کردن و یافتن راه حل مطلوب در زمانی که در موقعیت های مشکلافرین زندگی قرار گرفته اند، ناآگاهی از مسئولیت های زندگی زناشویی، سنگینی بار زندگی زناشویی، ناتوانی در تطبیق با شرایط و پذیرش و ایفای مسئولیتها از جمله آنها می باشد.

#### د - نداشتن فهم کافی از دنیا مردانه

این مقوله به مفهوم نداشتن شناخت و آگاهی از ویژگی های عمومی مردان و غربت ذهنی نسبت به نیاز های روانی-عاطفی- جسمانی مشترك مردان پیش از ازدواج و تشکیل زندگی زناشویی می باشد. در مجموع چهار مقوله نداشتن تجربه جنسی، ناآشنایی با روحیات مردان، نبودن در خط دوستی با مردان و پاستوریزه بودن از مفاهیم تشکیل دهنده این مقوله است.

بیش تر زنان مدعی هستند که تا پیش از ازدواج و آشنایی با خواستگار خود، هیچگونه رابطه جدی اعم از دوستی یا مرادده اجتماعی شایان توجهی با مردان نداشتند که همین امر منجر به ناشناخته بودن دنیای مردانه برای آنها و ناآشنایی آن ها با ویژگیها و خصوصیات مردان شده است. حتی مصاحبه شوندگانی که رابطه دوستی با همسر آینده را پیش از ازدواج تجربه کرده اند، بیان داشتند که دوستی آنان نخستین تجربه یک رابطه جدی با مردان بوده است و بیش تر تحت

تأثیر لذت جدید بودن رابطه دو جنس قرار گرفته‌اند، تا این که از این فرصت جهت شناخت مردان و دنیای مردانه بهره برده باشند:

"پیش از ازدواج اصلاً شناختی از مردها و روحیه و اخلاقشون نداشتم. ایشان نخستین تجربه من نبود، ولی اگر با کسی دوست بودم، اونجور نبود که با او رفت و آمد داشته باشم. آخه من خیلی مغرور بودم شاید یک نفر یا دو نفر، اونم در حد یک هفته یا دو هفته خیلی معمولی، شوهرم نخستین کسی بود که دو سه ماه با اون رفت و آمد داشتم"

نا آشنایی با روحیه و اخلاق مردان از یک سو و لذت برقراری رابطه با یک مرد، برای نخستین بار از سوی دیگر، منجر به این شده بود که شناخت و آگاهی زنان در این مرحله تحالشعاع عواطف، هیجانها و گرایشهای جنسی قرار گیرد: "چون دوست پسر نداشتم، چون دست کسی به من نخورده بود، خیلی لذت میبرد"

لذت بردن از رابطه جنسی - احساسی در دوران آشنایی و نامزدی در برخی موارد به «ندیدن» یا «امتناع از دیدن» مشکلات اخلاقی- رفتاری - شخصیتی شوهر آینده منتهی شده است. از سوی دیگر، نداشتن تعامل با مردان، دیدگاه شناختی زنان را در تشخیص مسایل و مشکلات موجود تحت تأثیر قرار داده است. از نظر برخی از صاحب‌هشوندگان خلاء ذهنی ناشی از شناخت مردان تا اندازه ای تأثیرگذار بوده است که بسیاری از آنان امروزه و پس از گذران چندسال از عمر خویش در زندگی مشترک به این نتیجه رسیده‌اند که داشتن ارتباط کلامی - احساسی و رفت و آمد با مردان پیش از ازدواج، یکی از ضروریات تشکیل زندگی زناشویی بوده است:

"اصلاً آشنایی با مردا نداشتم و به مادرم که در مورد خواهرم سختگیری می‌کنه، میگم بذار ارتباط داشته باشه، چون من اگه انقد چشم و گوش بسته و پاستوریزه نبودم، میفهمیدم که این ادم این مشکلو داره، بالاخره درسته که ما قهر بودیم، ولی خیلی وقتا من می دیدم چشم ایشان سرخه، می دیدم رفتار خوبی نداره، اگر با دو سه تا پسر دیگه گشته بودم، میفهمیدم که این رفتار، رفتار عادی نیس، ولی پسرای زندگی من برادرام بودن و هیچ وقت ادم نمی‌تونه بسنجه کسی رو که از دید په همسر به دوس پسر نگاه می‌کنه یا کسی که برادرشه، تفاوت داره!"

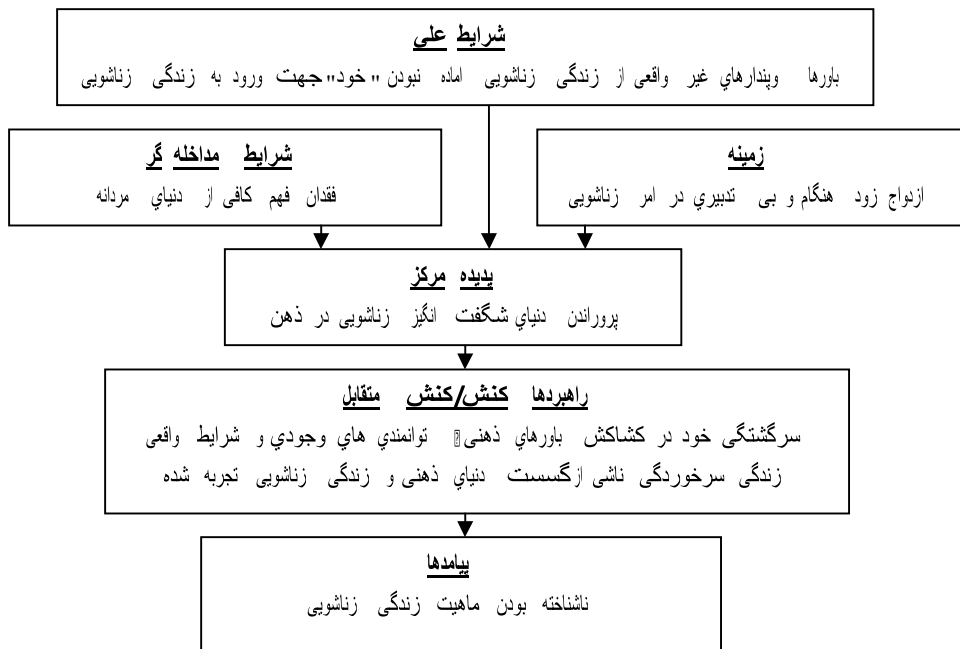
#### مقوله هسته «ناشناخته بودن ماهیت زندگی زناشویی»

همانگونه که کوربین و اشتراوس تصریح کرده‌اند، فرایند تحلیل تجارب زیستی مشارکت کنندگان در یک مطالعه کیفی میتواند به یک خط داستان بزرگتر منتهی شود. این خط داستان در واقع حاصل مفهومی سازی و ارایه شرحی انتزاعی و چکیده‌های از داستانهایی فردی است.

مصاحبه‌های انجام گرفته با زنان مطلقه یا متقاضی طلاق نشان داده است که بسیاری از آنان پیش از ورود به زندگی زناشویی، نسبت به ماهیت زندگی زناشویی بیگانه بوده و بستر جدید برای آنان تا حدودی ناشناخته بوده است. به‌گونه‌ایکه پیش از ازدواج پندارها و پیش‌داوری‌های غیرواقعی در ذهن می‌پروراندند. این زنان زندگی زناشویی خویش را بر بستری تخیلی بنا کرده‌اند که نه تنها وجود خارجی نداشته بلکه شکافی بس عمیق با ماهیت واقعی آنچه که در واقعیت تجربه کرده‌اند، داشته است. چنان‌که پس از ازدواج و رویارویی با همسر، مسئولیت‌های زندگی و ... نوعی سرخوردگی ناشی از نبود مدینه فاضله و ناتوانی "خود" جهت تطبیق با شرایط موجود را تجربه کرده‌اند. در واقع، محیطی که آنان پس از ازدواج در آن قرار گرفته‌اند، نه تنها شباهت چندانی به دنیایی که انتظار رویارویی با آن را داشته‌اند، نداشته است بلکه محیطی است با مختصات جدید که تا اندازه‌ای نیز عجیب و غریب مینماید. بنابراین، آنان نسبت به فضای زناشویی احساس بیگانگی کرده‌اند.

از سوی دیگر، پندارهای آنان از همسر نیز به یکباره با فردی که در جایگاه شوهر در کنار ایشان قرار گرفته، اساساً متفاوت بوده است. بنابراین، این احساس در زنان بوجود آمده است که هیچ شناخت و آشنایی ذهنی با این فرد نداشته یا این که این شخص به عنوان شوهر، همان فردی نیست که منتظر آمدنش بوده‌اند و عمری را در آرزوی داشتنش سپری کرده‌اند، بنابراین از شوهر نیز بیگانه شده‌اند.

در نهایت، با ورود به زندگی زناشویی و روبه‌رو شدن با انتظارات شوهر از ایشان به عنوان زن خانه، همسر و مادر فرزندان و پی بردن به سنگینی مسئولیت زندگی زناشویی و ماهیت واقعی ازدواج و زندگی مشترک از یک سو و احساس ناتوانی در "خود" از حیث مهارت و توانمندی پاسخگویی به این درخواستها و الزامات از سوی دیگر، ناشناختگی تشدید میشود. تا جایی که دیگر خود را در شناخت جایگاه خویش، جایگاه شوهر و فضای زندگی زناشویی ناتوان یافته‌اند و با ادامه این وضعیت، در نهایت ماهیت زندگی زناشویی چنان بیگانه جلوه کرده که انگیزه ادامه زندگی را از زنان سلب و احساس «ناشناخته بودن ماهیت زندگی زناشویی» آنان را به ترک زندگی زناشویی ترغیب کرده است. ناشناخته بودن ماهیت زندگی زناشویی در مدل مفهومی شماره 1 به تصویر کشیده شده است.



### مدل مفهومی ۱ - ناشناخته بودن ماهیت زندگی زناشویی.

#### بحث و نتیجه‌گیر

این مطالعه به دنبال تحلیل تصورات و انتظارات از شوهر و زندگی زناشویی آینده، در بین زنان مطلقه و متقاضی طلاق شهر شیراز در مرحله پیش از ازدواج بوده است. پرسش‌ها حول محور باورهای ایشان درباره زندگی زناشویی، شوهر آینده، آرزوها و توقعات ایشان از زندگی زناشویی، هم‌چنین، آمادگی "خود" جهت آغاز مرحله تازه‌ای در زندگی، در پیش از ازدواج طراحی شده بود. سپس نظرهای ایشان در خصوص زمینه و بستر شکل‌گیری باورها از دید خودشان مورد کنکاش قرار گرفته است. با تحلیل داده‌ها دو مقوله اصلی «باورهای غیرمنطقی و پندارهای غیرواقعی از زندگی زناشویی» و «ناتوانی "خود" در شناخت ماهیت زندگی زناشویی» پدیدار شد.

<sup>8</sup> نتایج این پژوهش نشان دادند که پندارهایی که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان پیش از ازدواج، نسبت به زندگی زناشویی در سر می‌پروراندند، با شرایطی که بعدها در زندگی واقعی تجربه

<sup>^</sup> - Dysfunctional Beliefs

کرده اند، بسیار متفاوت بوده است. این دسته از زنان همواره عشقی را تجسم می‌کردند که در دنیای واقعی کم‌تر مصداقی برای آن می‌توان یافت. آنان محبتی را در عمق وجود خویش از شوهر آینده تقاضا داشتند که شاید در بهترین شرایط نیز مردی قادر به عرضه آن نخواهد بود. آنان انسانی آراسته به فضایل اخلاقی و تهی از رذایل اخلاقی را آرزو داشتند که شاید یافتن آن در دنیای واقعی سال‌های سال به زمان نیاز داشته باشد. همانگونه که مصاحبه‌شوندگان اذعان کرده اند، نه تنها در مورد شوهر آینده که حتی درباره ماهیت زندگی زناشویی و فلسفه ازدواج نیز به نوعی کجفهمی یا خلاء ذهنی مبتلا بوده‌اند. ابهام در هدف از زندگی زناشویی و ناشناخته بودن ماهیت دنیای زناشویی، مسئولیتها و تکالیف آن، احساس زیستن در دنیای شگفتانگیز و پررمز و راز را برای زنان تداعی کرده است.

بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته باورهای ناکارآمد<sup>۹</sup>، علت اصلی بسیاری از اختلاف‌های اجتماعی، بویژه روابط زوج‌هاست. منظور از چنین باورهایی، در واقع وجود افکار نادرست و نامنطبق با واقعیت درباره خود و جهان است. به باور الیس (2001)، هیچ رویدادی ذاتاً نمی‌تواند در انسان ایجاد آشفته‌گی روانی کند زیرا تمام محرکها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می‌شوند و بر این اساس، سازش نایافتگی‌ها و مشکلات هیجانی در واقع ناشی از چگونگی تعبیر، تفسیر و پردازش داده‌های ناشی از محرکها و رویدادهایی هستند که افکار و باورهای ناکارآمد در زیربنای آن‌ها قرار دارد (Azhkosh & Asgari, 2007, p. 138). پژوهشگران و نظریه‌پردازان بسیاری (از جمله الیس، 1978؛ برنز<sup>۹</sup>، 1984 و برنشتاین<sup>۱۰</sup>، 1989) اندیشه‌های غیرمنطقی را علت اصلی اختلاف‌ها در روابط اجتماعی و بویژه در روابط زوج‌ها دانسته‌اند. بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته، رضایتمندی زناشویی در صورتی که با انتظارات همسران از واقعیت متناسب نباشد، کاهش می‌یابد و پیش‌بینی‌کننده نتایج مخربی در زندگی زناشویی خواهد بود (2009, Omidvar, Fatehizadeh & Ahmadi).

افراد پیش از ازدواج پیش‌تصویرهایی از ازدواج دارند و انتظاراتی در ذهنشان نقش بسته است که کاملاً نیز از آنها آگاه نیستند. یکی از مشکلات زوج‌های جوان ناشی از استانداردها و فرضیه‌های ذهنی آنهاست. انتظاراتی که هر یک از زوجین از دیگری دارد، مبتنی بر چهارچوب از پیش تعیین شده‌ای است که می‌تواند ریشه در واقعیت نداشته باشد (Shoae Kazemi & Jafari, 2009, harandi). پژوهش‌های تروکس<sup>۱</sup> و پل<sup>۱۱</sup> (1992) نیز نشانگر اهمیت باورها و انتظارات غیرمنطقی و غیرواقعی به عنوان یک عامل شناخته شده در اختلاف‌های زناشویی است (2005).

<sup>۹</sup> - Burns, D

<sup>۱۰</sup> - Bornstein

<sup>۱۱</sup> - Pole



Momenzadeh, Mazaheri & Heydari, بر اساس آمار گزارش شده در زوجهای ناسازگار عوامل سوءتفاهم، تفرکات غیرمنطقی و مطلقگرا بیش تر از عوامل دیگر (در حدود 60 درصد) دیده شده است زیرا تفکر نامنطقی تفکری اغراقآمیز، انعطافناپذیر، مطلقگرا و غیر واقعی است (Tehrani, Jalaei ۱۹۸۹). تأثیر باورهای نامنطقی بر سازگاری زناشویی و رضایتمندی زوجین در پژوهش های چندی به اثبات رسیده است ( Pourmohamadrezatajrishi, PahlawanNeshan& Najafi Fard, ۲۰۱۴; p; Shayesteh, Sahebi & Pourahmad, ۲۰۰۶; Bakhshoodeh & Bahrami Ehsan, ۲۰۱۲; Momenzadeh, Mazaheri & Heydari, ۲۰۰۵; Stackert & Bursik, ۲۰۰۳; Addis & Bernard, ۲۰۰۰; Moller & Vander Merwe, ۱۹۹۷; Moller & Van Zyl, ۱۹۹۱; DeBord, Romans, Krieschok, ۱۹۹۶).

هم چنین، نتایج این پژوهش نشان داد که نداشتن پیشینه ذهنی نسبت به ازدواج، اگر نه بیش تر که به اندازه تصورات غیرواقعی از زندگی زناشویی، زندگی زنان مطلقه را تحت سیطره خود به بیراهه کشانده است. نداشتن ذهنیت نسبت به ازدواج و نداشتن سابقه ذهنی نسبت به توانمندیهای ضروری ازدواج، منجر به ایجاد خلاء ذهنی زنان نسبت به زندگی زناشویی آینده شده است. این خلاء نه تنها زمینهساز ناآگاهی از نقشی شده است که قرار بوده زنان در زندگی آینده ایفا نمایند بلکه هم چنین، منجر به ناآگاهی آنان از مسایل ابتدایی زندگی زناشویی - رابطه جنسی - نیز شده است. ناآگاهی از پیشنیازهای شروع زندگی زناشویی، منجر به ایجاد نوعی ناتوانی در "خود" جهت پاسخگویی به نیازهای سر برآورده ملزم با ازدواج در زنان شده است. یافتههای بسیار اندکی در خصوص نقش آمادگی پیش از ازدواج بر آمادگی جوانان جهت ورود به زندگی زناشویی صورت گرفته است. با این حال، رفیعی و دیگران (1394)، در یک طرح آموزشی تأثیر آموزش آمادگی برای ازدواج بر انتظارات زناشویی را در دختران عقد کرده شهر اصفهان مورد سنجش قرار دادهاند. نتایج پژوهش آنان نشان داده است که این آموزش بر مؤلفههای انتظارات زناشویی از جمله انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی، انتظار از زندگی زناشویی و انتظار از یک رابطه ایدهآل اثرگذار بوده است (Rafeie, Etemadi & Bahrami, ۲۰۱۵). به باور اولسون، دفرین و السون (2012)، آماده شدن برای ازدواج رویکرد نسبتاً تازه‌ای برای پیشگیری از نارضایتی و شکست در زندگی زناشویی است و مبتنی بر این دیدگاه است که زوجها میتوانند یاد بگیرند که چگونه ازدواجهای موفق و پایدار داشته باشند و هدف زیربنایی بسیاری از رویکردهای آمادگی نیز کمک به قویتر شدن پیوندهای زناشویی است (Olson, ۲۰۱۲, Dfryn & Olson).

در کنکاش در خصوص چگونگی شکلگیری بستر انتظارات غیرواقعی و آماده نبودن "خود" جهت ورود به زندگی زناشویی، زنان بر دو حوزه بیش از سایر حوزهها تأکید داشتهاند؛ یکی مناسب نبودن سنشان جهت ازدواج و دیگری نداشتن فهم و درک از دنیای مردانه. نسبت دادن درک نکردن مفهوم زندگی به شرایط سنی هنگام ازدواج، بارها در سخنان مصاحبه شوندگان مشاهده گردید، به گونه ای که باور داشتند اگر کولهبار تجربه کنونی را داشتند، هرگز به این ازدواج تن نمیدادند. به بیان دیگر، بر این باور بودند که بار مسئولیت زندگی زناشویی سنگینتر و طاقت فرساتر از آن بوده است که توانمندیهای شخصی آنان در زمان شروع زندگی زناشویی، تاب تحمل آن را داشته است. در مجموع، مصاحبهها حکایت از نبود پشتوانه دانش زندگی زناشویی در زنان مصاحبهشونده دارد. دانشی که در برگزیده شناخت خود و نیازهای خود از یک سو، ارزیابی واقع-بینانه از شرایط و تنظیم انتظارات و خواستههای خود بر اساس مجموع این شناخت از سوی دیگر دارد.

### References

- Abedi, N. Bolhari, N. & Naghizadeh, M. (۲۰۱۵). "Comparison of predisposing factors for divorce on the basis of gender". Journal of Psychological Studies of Faculty of Education and Psychology of Al-Zahra University, ۱۱, ۱: ۱۴۱-۱۷۷. Persian
- Addis, J. & Bernard, M. (۲۰۰۰). "Marital adjustment and irrational beliefs". Journal of Rational, Emotive and Cognitive, Behavior Therapy, ۲۰: ۳-۱۳.
- Ali Ahmadi, A. & Nahaie. V. (۲۰۰۸). "Excerpts from the comprehensive description of research methods book". Tehran: the knowledge production publication. Persian
- Azkhash, M. & Asgari, A. (۲۰۰۷). "Measuring irrational beliefs in marital relations: the standardization of communication Beliefs Questionnaire". Iranian Psychological Journal, ۴, ۱۴: ۱۳۷-۱۵۳. Persian
- Bakhshoodeh, A. & BahramiEhsan, H. (۲۰۱۲). "The role of marital expectations and healthy exchanges in predicting marital satisfaction". Journal of Islamic Studies and Psychology, ۱۰: ۲۷-۴۲. Persian
- Carroll, J. & Doherty, W. J. (۲۰۰۳). "Evaluating the effectiveness of premarital prevention programs: a meta-analytic review of outcome research". Journal of Family relation. ۵۲, ۲: ۱۰۵-۸۱۱
- DeBord, J; Romans, J. S. C. & Krieschok, T. (۱۹۹۶). "Predicting dyadic adjustment from general and relationship-specific beliefs". Journal of Psychology, ۱۳۰, ۲۶۳-۰۸۲
- Flick, O. (۲۰۰۸). "An introduction to qualitative research". Tehran: Ney. Persian
- Glaser, B. G. & Strauss, A. L. (۱۹۶۹). "The discovery of Grounded Theory". New York: Aldine.

- Hoveily Pour, S; Shafiabadi, A. & Sudani, M. (۲۰۱۲). "The effectiveness of premarital training on expectations and marital attitudes of daughters on the eve of marrying of National South Oil Company employees". Journal of New Findings in Psychology, ۷, ۲۳: ۸۱-۹۳. Persian
- Iman, M. (۲۰۱۲). "Qualitative research methodology". Qom: Institute for universities and seminaries. Persian
- Iman, M. T. & Bostani, M. (۲۰۱۰). "Qualitative analysis of leisure and identity links among high school students in Shiraz". Journal of Social Sciences (Ferdowsi University of Mashhad), ۶: ۱-۳۶. Persian
- Jalaei Tehrani, M. (۱۹۸۹). "Psychotherapy based on Ellis theory". Mashhad: Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University. Persian
- Moller, A. T. & Vander Merwe, J. D. (۱۹۹۷). "Irrational beliefs, interpersonal perception and marital adjustment". Journal of Rational Emotive and Cognitive Behavioral Therapy, ۱۵: ۲۶۰-۲۹۰.
- Moller, A. T. & Van Zyl, P. D. (۱۹۹۱). "Relationships beliefs, interpersonal perception and marriage adjustment". Journal of Clinical Psychology, ۴۷, ۲۸۳۳.
- Momenzadeh, F. Mazaheri, M. A. & Heydari, M. (۲۰۰۵). "The relationship between irrational beliefs & attachment styles and marital adjustment". Journal of Family Research, ۱, ۴: ۳۶۹-۳۷۸. Persian
- National Organization for Civil Registration (۲۰۱۵). Crucial events statistics: divorce. Persian
- Olson, D.H. & Gravatt, A. E. (۱۹۶۸). "Attitude change in a functional marriage course". Journal of Family Coordinator, ۹۹-۱۰۴.
- Olson, D. Dfryn, C. & Olson, A. (۲۰۱۲). "Marriage and marital communication skills efficiently". Translation Nader Fathi & Ahmad Reza Bhyrayy. Tehran: Psychology and Art, ۱۴۶-۱۴۸.
- Omidvar, B. Fatehizadeh, M. S. & Ahmadi, A. (۲۰۰۹). "Investigate the effect of pre-marital training on marital expectations in Shiraz students on the verge of marriage". Journal of Family Research, ۵, ۱۸: ۲۳۱-۲۴۶. Persian
- Pourmohamadrezatajrisi, M. Pahlawan Neshan, M. & Najafi Fard, T. (۲۰۱۴). "The relationship between irrational beliefs and marital adjustment of Isfahan couples". Journal of Social welfare, ۱۴, ۵۳: ۱۷۹-۱۹۳. Persian
- Rabbani, A. & Abbas Zadeh, M. (۲۰۰۹). "Underlying theory approach: hard and soft methods". Journal of Applied Sociology, ۲۰, ۴ (۳۶): ۱۶۹-۱۸۳. Persian
- Rafeie, A; Etemadi, O. & Bahrami, F. (۲۰۱۵). "The effect of training in preparation for marriage, marital expectations and its components in the married girls in Isfahan". Journal of Woman and Society, ۶, ۱: ۲۱-۳۹. Persian
- Sharp, F. A. & Ganeng, L. H. (۲۰۰۲). "Does television viewing cultivate unrealistic expectation about marriage? Journal of communication". ۵۲, ۲۴۷, ۳۶۲

- Shayesteh, G. Sahebi, A. & Pourahmad, A. (۲۰۰۶). "Investigate the relationship between marital satisfaction with the relationship beliefs and irrational expectations of couples". Journal of Family Research, ume ۲, ۷: ۲۲۳-۲۳۸. Persian
- Siavoushi, H. & Nvabinejad, Sh. (۲۰۰۵). "The relationship between marital relationship patterns and illogical beliefs of Malayer high school teacher". Journal of Consulting Research (Newest and consultancy research), ۴, ۱۵: ۹-۳۴. Persian
- ShoaieKazemi, M. & Jafari harandi, M. (۲۰۰۹). "A comparative study of single students attitudes toward marriage from Glasser's Reality Therapy view". Journal of Social Research, ۲, ۴: ۱۱۱-۱۲۸. Persian
- Stackert, R. & Bursik, K. (۲۰۰۳). "Why am I unsatisfied? Adult attachment still, gendered irrational relationships beliefs, and young adult romantic relationship satisfaction". Journal of Personality and Individual Differences, ۳۴, ۱۴۱۹-۱۴۲۹.
- Strauss, A. & Corbin, J. (۲۰۱۱). "Principles of qualitative research methods. Translated by Buick Mohammadi". Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. Persian



